

خبر

فراخوان اصلاح طلبان برای بزرگداشت مشروطه

انقلاب مشروطیت ایران در مردادماه سال ۱۳۸۵ صدساله می شود بدون آنکه به همه آرمان هایش رسیده باشد. در حقیقت تحقق آرمان هایی چون حاکمیت قانون، آزادیخواهی، عدالت طلبی و مردم سالاری در جامعه ایران هنوز در هاله ای از ابهام قرار دارد. همین ابهام این پرسش را میان نخبگان ایرانی مطرح می کند که آیا یکصد سال پس از پیروزی انقلاب مشروطیت، تلاش های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه ملت ایران به نتیجه رسیده است؟ آیا با وجود یکصدسال سابقه نهاد پارلمان دغدغه برگزاری انتخاباتی آزاد و عادلانه و سالم از بین رفته است؟ آیا با وجود یکصد سال سابقه آرمان عدالتخانه استقلال قوه قضائیه تحقق یافته است؟ آیا با وجود یکصدسال سابقه فعالیت های حزبی، احزاب پایدار و نظام حزبی مناسب برای سیاست ورزی و حکمرانی خوب؟ شکل گرفته است؟ آیا با وجود نهضت تاریخی ملت ایران در یکصدسال قبل، مفهوم حاکمیت ملی و اینکه «حکومت ودیعه ای است الهی که از سوی مردم به حاکمان تفویض می شود» مورد تردید قرار نمی گیرد؟ آیا کشور در مسیر توسعه همه جانبه و پایدار قرار دارد و . . ؟ برای بررسی پرسش های فوق جمعی از احزاب، نهادهای مدنی و مطبوعات غیردولتی بر آن شده‌اند که از سر تجربه و تأمل به یکصدسال تلاش آزادیخواهانه، عدالت طلبانه و توسعه‌خواه ایرانیان نگاهي فراتر از تاریخ‌نگاری روایی بیندازند و مجالی برای اندیشه در پرسش هایی که نمونه آنها ذکر شد، ایجاد کنند. برگزارکنندگان این همایش که فراخوان اولیه خود را در دی ماه سال گذشته منتشر کرده‌اند، تصمیم دارند بدون تبلیغ و ترویج مرام و راهبرد سیاسی مشخصی در بازخوانی مبارزات یک‌قرنه ملت ایران، سهم خود را ادا کنند.

همایش «ایران، یکصدسال پس از مشروطیت؛ تجارب گذشته- چشم‌انداز آینده» که تلاشی است برای تأمل در تاریخ ایران‌زمین در مردادماه ۱۳۸۵ در تهران برگزار خواهد شد و به تحلیل علل کامیابی و ناکامی تجربه‌های آزادیخواهی، استقلال طلبی و عدالت‌جویی معاصر ایرانیان از انقلاب مشروطه و نهضت ملی شدن صنعت نفت تا انقلاب اسلامی و جنبش اصلاحی می‌پردازد. بنابراین این همایش بیش از آنکه در پی ارائه نسخه برای تغییر تاریخ باشد، کوشش خواهد کرد به طرح پرسش‌های بنیادین درباره علل کامیابی ها و ناکامی های یکصدسال تلاش زین و مرد ایرانی بپردازد و آن را فرا راه آینده قرار دهد.

از همه اساتید، دانشمندان، علما، صاحب‌نظران، متفکران و روشنفکران برای ارائه مقاله در این همایش دعوت می‌شود. موضوع مقالات و گفتارها با توجه به عنوان پرسش های این فراخوان خواهد بود. بخشی از مقالات در همایش ارائه و برخی در کتاب همایش منتشر خواهد شد. سیاسگزار خواهیم بود خلاصه مقالات خود را تا پایان خردادماه ۱۳۸۵ به نشانی تهران، خیابان آفریقا، پلاوار گلسهر، شماره ۴۶ یا پست‌سب ۱۳۳۳۸۴۳۸ یا پست الکترونیکی (انتهای ستون)ارسال کنید و اصل مقالات را تا پانزدهم تیرماه ۱۳۸۵ به همین نشانی ارائه فرمایید. دبیرخانه همایش از ساعت ۹ تا ۱۴ هر روز با شماره تلفن ۲۲۰۳۴۵۶۸ آماده پاسخگویی به پرسش‌ها و دریافت دیدگاه‌ها و نظرات شما است.

دبیرخانه همایش

همایش صد سال قانونگذاری در ایران

خانه ملت : موسی قربانی رئیس همایش یکصدمین سال قانونگذاری اهداف و محورهای این همایش را چنین تشریح کرد.

عضو هیات‌رئیس مجلس شورای اسلامی، لزوم بهبود روند‌تصویب و تدوین قوانین، ضرورت تنقیح قوانین، اهتمام جهت ثبات قوانین، بررسی اجرای قوانین، اجرائی کردن اصول قانون اساسی و سیاست‌های کلی، ضرورت رعایت اصول موازین فقهی و حقوقی در اجرای قوانین، تلاش در جهت کاهش هزینه قانونگذاری، آشنایی با تجربیات سایر کشورها، بررسی جایگاه قانونی مراجع قانونگذاری، کاربردی کردن مرکز پژوهش‌های مجلس، چگونگی انتشار قوانین و راهکار کاهش میزان قانونگذاری را به عنوان اهداف این همایش برشمرد. وی افزود: از سال ۱۲۸۵ که قانونگذاری در کشور ما آغاز شد تاکنون بیش از ۷ هزار عنوان قانون تصویب کرده‌ایم که در هیچ‌جای دنیا اینگونه نیست و برای ما نیز مشکلات جدی پدید آورده است.

نماینده قاننات گفت: پرداختن به این امر که قوانین لازم‌الاجرا از قوانین منسوخ و ملغی جدا شوند همیشه مطرح بوده است و اولین بار سال ۱۳۴۳ در مجلس سنا، تشکیلاتی به‌نام اداره فنی قوانین برای رسیدگی به این مباحث شروع به‌کار کرد.

وی افزود: در سال ۱۳۵۰ نیز یک ماده واحده تصویب شد که بر اساس آن سازمان تنقیح و تدوین مقررات کشور زیر نظر نخست‌وزیر شکل گرفت.

قربانی تصریح کرد: عزم و اراده برای اصلاح این نابسامانی‌ها همیشه وجود داشته اما متأسفانه هیچ‌گاه به نتیجه نرسیده است. عضو هیات‌رئیس مجلس گفت: در مجلس هفتم به این جمع بندی رسیدیم که اقدام اساسی در این خصوص صورت گیرد بنابراین به بنده ماموریت داده شد که این موضوع را بررسی کرده و پیشنهاد خود را به هیات‌رئیس ارائه دهم.

نماینده قاننات گفت: بعد از ارائه این پیشنهادات هیات رئیسه ضمن تأیید اساس موضوع خواستند که با توجه به مناسبت یکصدمین سال قانونگذاری همایشی برگزار شود و به این مسائل پردزاد تا پیشنهادات جمع آوری شده و طرح پخته‌ای ارائه شود.

قربانی تصریح کرد: ریاست این هسته به‌عهده بنده گذاشته شد و یک نفر از دیوان عدالت اداری، دادستان کل کشور، وزیر دادگستری، شورای نگهبان، معاون حقوقی مرکز پژوهش‌ها، ریاست جمهوری، دیوان محاسبات، رئیس سازمان اداری مجلس، مدیر کل قوانین مجلس و همچنین آقای شوشتری وزیر سابق دادگستری به عنوان اعضا انتخاب شدند.

ارتباط با صفحه مشروطه

سایت WWW.100years.ir

پست الکترونیک info@100years.ir

ارسال مقالات article@100years.ir



گزارش سال ۱۲۹۴

این سال با فتوای جمعی علمای شیعه ساکن عراق مبنی بر جهاد مسلمین با روس و

انگلیس که توسط شیخ العراقین حائری تسلیم احمدشاه قاجار شد، آغاز شد. این فتوا در واقع جانبداری و همکاری مسلمانان با سپاهیان امپراتوری آلمان و عثمانی را تداعی می کرد. از همین رو هنگامی که پرنس هانری دورویس وزیرمختار آلمان وارد کرمانشاه شد، مورد استقبال باشکوه مردم قرار گرفت و کنسول های روس و انگلیس در این شهر از ترس جان منازل خود را سنگربندی کردند. پرنس دورویس در تهران نیز با استقبال بی مانند مردم روبه رو شد و سفارتخانه وی مرکز ثقل گروه‌های سیاسی قرار گرفت.

جنگ جهانی اول به کاخ احمدشاه قاجار نیز کشیده شده بود، همین که کابینه مشیرالدوله از کار افتاد و مستعفی شد، نمایندگان سیاسی روس و انگلیس به کاخ شاه رفتند و با تهدید و ارباع فرمان رئیس وزاری سعدالدوله را از شاه گرفتند. چند ساعت بعد نمایندگان سیاسی آنان و عثمانی نیز به کاخ شاه رفتند و فرمان عزل سعدالدوله را از شاه گرفتند!

در حالی که در آذربایجان جنگ سختی میان نیروهای عثمانی به فرماندهی خلیل پاشا و مجاهدین ایرانی از یک سو و سپاهیان روس از سوی دیگر در جریان بود، مجلس شورای ملی به ریاست وزرای عین‌الدوله صدراعظم دوره استبداد و دشمین قسم خورده آزادی و مشروطیت ایران رای تمایل داد.

دستگاه جاسوسی آلمان‌ها در ایران بسیار فعال بود. همین که رئیس بانک استقراضی روس که ویس کنسول روسیه در اصفهان نیز بود، در نیمه شب گرم تیرماه به ضرب شش گلوله از پای درآمد و در همان شب رئیس مالیه اصفهان که بلژیکی بود، ترور شد، خبر رسید که سپاهیان روسیه از قزوین به سوی پایتخت در حرکت هستند. این برای مقامات تهرانی بسیار دهشتناک بود. کابینه عین‌الدوله سقوط کرد و شاه مستوفی الممالک را به مجلس معرفی کرد، اما هواداران عین‌الدوله زیر بار نرفتند و مستوفی الممالک را سخت مورد حمله و انتقاد قرار دادند. شاه به ناگزیر دوباره فرمان رئیس الوزرای عین‌الدوله را صادر کرد، اما این بار دموکرات‌های مجلس زیر بار نرفتند و عین‌الدوله را مورد انتقاد شدید

ای مرغ سحر



شعر دهخدا که تصویر جامعه زمان خود را نشان می دهد:

ای مرغ سحر چون این شب تار بگذاشت ز سر سیاهکاری،

وز نفخه روح پشش اسحار

رفت از سر خفتگان خماری

بگشود گره ز زلف زرنار

محبوه نیلگون عماری

بزدان به کمال شد پلیدار

و اهریم زشت خو حصاری،

یاد آر ز شمع مرده یاد آر!

ای مونس یوسف اندرین بند!

تعبیر عیان چو شد ترا خواب،

دل پر ز شفق لب از شکرخند

محسود عدو به کام اصحاب،

رفتی بر یار و خویش و پیوند

آزآباد از نسیم و مهتاب،

یاد آوری همه شام با تو یک

در آرزوی وصال احباب،

اختر به سحر شمرده، یاد آر!

ای بلبل مستمند مسکین!

وز سنبل و سوری و سپرغم



جنگ در جهان اغتشاش در ایران

حسن مرسل وند

قرار دادند. عین‌الدوله نیز به ناچار از تشکیل دولت منصرف شد.

سپس مشیرالدوله از سوی مجلس برای ریاست کابینه برگزیده شد که وی نیز چند روز بعد استعفا داد! شگفتا شگفت! در حالی که یک هزار نفر از دوازده هزار نفر سالدات روسی از قزوین به سوی تهران در حرکت بودند، دولتمردان پایتخت نشین جنگ قدرت را از پرده بیرون انداخته و شمشیر از رو بسته بودند. اکنون دیگر آنان حتی منافع مشترک خویش را نیز نادیده می گرفتند و دشمن مشترک خود را نمی دیدند. از جنوب کشور نیز اخبار نگران‌کننده‌ای به گوش می رسید.

نیروهای نظامی انگلیس وارد بوشهر شدند و ژاندارم‌های ایرانی را خلع سلاح کردند. اکنون قرعه فال به نام مستوفی الممالک افتاد و وی سکندار این کشتی توفان‌زده شد. سازمان جاسوسی آلمان‌ها همچنان دست به کار ترور بود.



جنگ هندی را شکست دادند. مهاجرین کمیته دفاع ملی در برابر پیشروی سپاهیان روس شهر به شهر عقب‌نشینی کرده، به اصفهان رسیدند. در این میان مستوفی الممالک استعفا داد و فرمانفرما به جای او نشست. ناامنی و آشوب در فارس و بسته شدن جاده بوشهر- شیراز بهانه به دست انگلیسی‌ها داد تا نیروی نظامی جدیدی به نام «پلیس جنوب» به فرماندهی افسران انگلیسی سامان دهند. سپاهیان روسی همچنان در حال پیشروی به سوی جنوب ایران بودند و پس از تصرف شهرهای قم و کاشان کمیته دفاع ملی ایرانیان نیز از اصفهان به کرمانشاه عقب‌نشینی کرد. در این حال رضاقلی‌خان نظام السلطنه حکمران بروجرد و لرستان و خوزستان با نیروهای تحت فرمانش به کمیته دفاع ملی پیوست و ریاست کل قوای ملی ایران را بر عهده گرفت.

وی به طور رسمی به دولت‌های روس و انگلیس اعلان جنگ داد. افسران آلمانی نیز که فرماندهی بخشی از نیروهای ایرانی را بر عهده داشتند، در جنگ و گریزی خونین همزمان با پیشروی روس‌ها به سمت جنوب عقب‌نشینی کردند. از طرف دولت انگلیس پرسی سایکس در راس یک هیات نظامی انگلیسی و هندی وارد بندرعباس شد تا پلیس جنوب ایران را ساماندهی کند. در پایان این سال سپاهیان روسی به سمت کرمانشاه پیشروی کردند و کمیته ملی دفاع ایرانیان کرمانشاه را تخلیه و از راه کرد و قصرشیرین به عراق عقب‌نشینی کردند. کابینه فرمانفرما نیز سقوط کرد و سپهدار تنکابنی رئیس‌الوزرای ایران شد.

شاه هم گریست

۱۲۸۵/۲/۲۱

به دنبال جریان تبعید اجباری و دوباره میرزا مجتهد کرمانی از اطراف کرمان به مشهد عین‌الدوله در جواب‌نامه طباطبایی در توجیه این عمل می‌گوید که به ما از کرمان خبر داده‌اند که ما اذن بدهیم تا او به مسافرت رود و نذری که دارد بر جای آورد، ما هم اذن دادیم.

طباطبایی و دیگر آقایان پاسخ دادند که خلاف به عرض رسیده، اتابک هم به کرمان تلگراف فرستاد که «شاهزاده فرمانفرما چندسوار روانه دارید جناب حاج میرزا محمدرضا طباطبایی و بهیچانی گردد.

بهیچانی به همراه ۳۰نفر دعوت شده دیگر به خدمت شاه می‌روند.

آقا سیدعبدالله در این دیدار به شاه دعا می‌کند و از شرایط جامعه و مسئله عدالتخانه و شورا می‌گوید، در حین دعا، سید گریه می‌کند و شاه را بیش از پیش دعا می‌کند، شاه هم که به علت مریمی، رقت قلب بیشتری پیدا کرده بود، گریه می‌کند و در حق سیدعبدالله و بقیه دعا می‌کند. پس از دیدار بهیچانی یقین پیدا می‌کند مشکل اصلی اتابک است و شاه در دل موافق عدالتخانه و شورا است.

پس از این دیدار و بازگو شدن مسائل پیش‌آمده در میان جمع همفکران، این نتیجه حادث می‌شود که در حال حاضر علت اساسی مخالفت‌ها اتابک است و باید سعی در عزل او باشد.

صنیع الدوله، اولین تکنوکرات ایرانی

همان بلایی مبتلا شد که امین‌الدوله در تأسیس کارخانه‌های کبریت‌سازی و قندکهریزک دچارش شده بود. این دو دشمنانی داشتند که نه تنها دشمن آنان به شمار می‌رفتند بلکه دشمن منافع ایران بودند. روس و انگلیس به‌رغم آنکه امتیازات و قراردادهای ظالمانه‌ای در شیلارت، جنگل، رودخانه، تپاکو و راه آهن از ایران ستانده بودند در عمل اجازه فعالیت به هیچ صنعتی را



نی دادند. صنیع‌الدوله تنها دو سال دوام آورد و بازار نساجی را به ناچار به صاحبان سرزمین آفتاب تابان سپرد. کارخانه کوره آهن‌تراشی که در آخرین سال حیات ناصرالدین‌شاه راه‌اندازی شد دومین کاری بود که از این جوان تازه از فرنگ برگشته برمی‌آمد. اما حوادث بعدی از جمله ترور ناصرالدین‌شاه و بی‌کفایتی مظفرالدین‌شاه پادشاه بعدی در اداره کشور عملاً کارخانه کوره آهن‌تراشی را متوقف کرد. صنیع‌الدوله تا پیش از انقلاب مشروطه دو کار دیگر را نیز در دست گرفت که هر دو کارخانه‌های کبریت و قند کهریزک امین‌الدوله بود؛ امین‌الدوله‌ای که در دوران حیاتش هرگز نتوانست تعامل و مرادوه صلح‌جویانه‌ای با صنیع‌الدوله برقرار کند وانگهی هر کدام از این کارها به همان دلیلی که امین‌الدوله را زمینگیر کرد وی را نیز از ادامه کار بازداشت. صنیع‌الدوله که فرهنگ آلمانی در خویش می‌دوید و شکست در قاموس او معنی نداشت به کوه‌های شمال رفت (پس قلعه)، دید که آتچا سرزمین سرب است، سهل است که وقتی این خاک به دست آلمان‌ها سپرده شد نقره هم در آن یافتند. صنیع‌الدوله در چشم‌برهم‌زدنی به آلمان رفت و کارها را سامان داد. در ایران خوددست به کار شد، کارگرانی استخدام کرد. کار به حرکت افتاد که مشروطه برپا شد. او که در بخشی از زندگی خود در کار ساختن دنیای مدرن نقش عمده‌ای را ایفا کرد، این بار به دعوت اصلاح‌طلبان قاجاری چون ناصرالملک، موتمن‌الملک، مشیرالملک و سعادت‌آبادی کرد، اما این مساعدت‌ها هیچ‌کدام مانع از آن نشد که این کار از ادامه‌ش باز نایستد. کمی بعد صنیع‌الدوله به

نگاه

فندروی آفت دموکراسی است

نورّٰن اعتضادالسلطنه



انقلاب مشروطیت زمانی به وقوع

پیوست که بحث‌های ایدئولوژیکی و سخن گفتن از فواید مدنیت غربی تازه از سوی متجددین و روشنفکران تحصیلکرده در اروپا و روشنفکران داخل کشور (که از طریق مطالعه کتب با فرهنگ غرب آشنا شده بودند) مطرح شده بود. مفاهیمی چون آزادی، عدالت، حکومت قانون و استقلال همگی از سوی روشنفکران ایرانی مطرح شد بی‌آنکه آنها به معنای واقعی آنها پی برده باشند. چنانچه گاهی در استفاده از این مفاهیم دچار اشتباهات سهوی می‌شدند و مفاهیم مختلف را با هم یکی می‌پنداشتند. در شرایطی که هنوز بحث‌هایی اساسی چون آزادی زنان، مسئله حقوق اقلیت‌های مذهبی، آزادی قلم و . . . به صورت جدی مورد بررسی قرار نگرفته بودند و جامعه هم ظرفیت پذیرش و هضم این مسائل را (به دلیل ناآگاهی مردم) نداشت، روشنفکران بدون توجه به لزوم بسترسازی فرهنگی و اجتماعی در جامعه تصمیم داشتند با شور و شوقی فراوان «آزادی‌های سیاسی» را به دست آورند و ره صدساله را یک‌شبه بپیمایند. شاید این مسئله مهم‌ترین علت شکست مشروطه در روزهای پسین انقلاب بود. اما به هر روی تلاش مشروطه‌خواهان برای برقراری آزادی در میهن آن هم در آن شرایط دشوار ستودنی است.

در این میان یک مانع اساسی وجود داشت و آن شیوه عملکرد رادیکال «افراط‌گرایان» این دوره بوده است. شاید عده‌ای بیندارند که منظور از افراط‌گرایان تنها روحانی‌نمایان طرفدار استبداد هستند اما باید گفت افراط‌گرایانی هم در میان مشروطه‌خواهان بودند که بر آتش‌ها دامن می‌زدند. افراط‌گرایانی که در صفوف مشروطه‌خواهان رخنه کرده بودند عمدتاً از انقلابیون چپ‌گرا بودند که حاضر به هیچ‌گونه برخورد منطقی و مصالحه‌ای با روحانیون و مذهبیون جامعه نبودند. در مقابل روحانی‌نمایان افراطی هم گروهی بودند که منافع خود را در گرو استمرار حاکمیت استبدادی‌شاه می‌دیدند و زیرآیین سان می‌می‌نوشتند به اعمال نفوذ خود بر رای شاه و اعمال قدرت در تصمیمات مهم کشور ادامه دهند. این عده به مخالفت با مشروطه‌خواهان پرداختند و هر کتابی را هر چند معقول جزء «کتب ضاله» قلمداد کردند و نویسنده آن را «کافر» نامیدند. در حقیقت این عده متعصب می‌دانستند که روحانیون نفوذ شدیدی در بین ملت دارند (همچون نقش روحانیت در رویداد رژی و فتوی‌ میرزای شیرازی)، به همین سبب سعی می‌کردند خود را به عنوان روحانیون واقعی به مردم بقبولانند و به آنها نفهم کنند که مشروطه‌خواهان مشتی مرتد و کافر است و می‌خواهند اسلام را از بین ببرد تا با تهیج احساسات مذهبی ملت به اهداف خود برسند. در میان این افراط‌گرای دوگانه (روشنفکران و روحانیون متعصب) صدای روحانیون آزادیخواهی چون آیت‌الله طباطبایی که معتقد به مدارا و لزوم اصلاحات مذهبی بودند به گوش کسی نمی‌رسید. در اینجا لازم است در مورد شیخ فضل‌الله نوری توضیح دهم، چون در ادامه بحث نقش عملکرد افراطی دو جناح آشکار خواهد شد.

شیخ فضل‌الله نوری در ابتدا در سنسگر مشروطه‌خواهان قرار داشت ولی پس از مدتی از صف مشروطه‌خواهان خارج شد و به استبداد محمدعلی‌شاه پیوست و روحانیون طرفدار مشروطه و سایر مشروطه‌خواهان را به عنوان مشرکین خدانتناس، یابی و مانند آنها نامید. (شرح حال رجال ایران، مهدی بامداد، ج۹۸، جلد ۲) محمد بامداد در کتاب «شرح حال رجال ایران» علت جدایی وی از مشروطه‌خواهان را رقابت شدید بین او و آیت‌الله بهبهانی می‌داند که در نهایت به اختلاف آن دو و جدایی شیخ فضل‌الله انجامید. در همان کتاب آمده: «زمانی که میرزا عنایت‌نام زنجانی برخلاف مستبدین و له مشروطه‌خواهان بیاناتی نمود فوراً اوباش بر سرش ریختند، او را کشتند و بعد نعشش را به درختی آویزان کردند. در آن میان شیخ فضل‌الله را هم خواهی نخواهی به میدان آوردند سپس سر تقیب السادات شیرازی روضه‌خوان معروف به آقاآزاد و ملقب به اعتمادالسادات قلم‌تراشی را از جیب خود بیرون آورد و با آن چشمان او (میرزا عنایت زنجانی) را از حلقه درآورد و گفت: می‌خواهم چشم مشروطه را درآورم.» با اعدام شیخ فضل‌الله نوری در میدان سیه (یازدهم امرداد ۱۲۸۸ خورشیدی) راه برای کشتن دیگران هموار شد. چنانچه حاج میرزا علی‌آقا فقه‌الله اسلام مجتهد را بدون هیچ‌گناهی دار ززند و این اعدام‌ها ناشی از احاطه یافتن افراطیون بر فضای محاکمات انقلابی بود که سبب شد مشروطه‌خواهان با ناآگاهی این افراطیون از اصول دموکراتیک، زمینه برقراری دوباره استبداد و تعطیلی مجلس (اول) شورای ملی را فراهم آورند. همین انقلابیون که در شعارهای خود از دموکراسی سخن می‌گفتند در عمل با اعمال ضددموکراتیک خود نشان دادند که هیچ اعتقادی به آرمان‌های قانونمندانده ندارند.

کتاب‌شناسی

شیخ فضل‌الله نوری و مشروطیت

کتاب «شیخ فضل‌الله نوری و مشروطیت» تألیف مهدی انصاری است که در سال ۱۳۷۶ از سوی انتشارات امیرکبیر در ۴۶۳ صفحه انتشار یافته است. نویسنده تلاش داشته است با بهره‌گیری از اسناد و مدارک فراوان، گوشه‌هایی از تاریخ فکری و اندیشه‌های متفاوت و متضاد متحجران و متشرعان را در انقلاب مشروطه به‌خوشنده ارائه دهد.

آشنایی با شیخ فضل‌الله نوری، بازشناسی مقدمات و زمینه‌های فکری مشروطیت، انقلاب عدالت‌خواهی، روشنفکران و جنبش مشروطیت، تدوین قانون و نظر شیخ فضل‌الله نوری، حکمران قانونی و اندیشه‌های شیخ فضل‌الله، موضع‌گیری شیخ در برابر مجلس، سقوط مشروطیت و مرگ و پایداری شیخ فضل‌الله نوری از دیگر موضوعات کتاب است.

پایان‌بخش کتاب نیز تصاویری از شخص فضل‌الله نوری است.